



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان درباره مفهوم و معنای الفاظ و عباراتی است که واقف بکار می برد و مال خود را وقف می کند.

بحث امروز ما در تحریر الوسيلة امام رضوان الله علیه وجود ندارد اما در شرایع و جواهر و قواعد و مفتاح الکرامه مطرح شده.

علامه در شرایع فرموده: «و لو وقف علی الجیران رجوع إلى العرف» (زیرا برای فهم الفاظی که به عنوان موضوع متعلق حکم واقع می شوند باید به عرف مراجعه کرد) و قيل لمن يلي داره إلى أربعين ذراعاً (از مرفق تا سر انگشت و صاحب جواهر می گوید ۲۴ انگشت بسته) و هو حسن و قيل إلى أربعين داراً من كل جانب و هو مطرح<sup>۱</sup>.

در مفتاح الکرامه اینطور گفته شده: «قوله: «و لو وقف علی الجیران فهو لكلّ من يصدق عليه عرفاً أنّه جار» (۱) كما في «الشرائع و النافع و كشف الرموز و التذكرة و التحرير و المختلف و الإيضاح و جامع المقاصد» فی موضعين منه و «الروض و المسالك و الكفاية و الروضة» فی الوصايا. و فی «حواشی الشہید» أنّه قوی و استحسنة صاحب «إيضاح النافع». و قد نسبہ إلى جماعة من الأصحاب فی «جامع المقاصد» لأنّه الحكم فی مثله، أعنی الألفاظ الصادرة من أهل العرف و اللغة المتداولة بينهم فإنّها تحمل علی حقائقهم لا الشرعية، و لو سلّمنا ثبوت الحقيقة الشرعية و أنّه يجوز حمل ألفاظ أهل العرف علیها فلا بدّ من التوقّف و الفحص عن القرينة المعينة لإحدى الحقيقتين، كما هو الشأن فی الألفاظ المشتركة، لكنّ المقدمتين فی محلّ المنع كما ستسمع. و هذا أحسن ممّا قالوه من أنّه الحكم فیما لم یرد به من الشرع بیان، لأنّ ذلك فیما ورد من الشارع. و من

الغریب قوله فی «الریاض»: إنّی لم أقف علی قائل به عدا الماتن هنا و الفاضل فی جملة من کتبه<sup>۲</sup>.

قول سوم این بود که از هر طرف تا ۴۰ خانه همسایه محسوب می شوند و اخبار معتبری داریم که بر این مطلب دلالت دارند منتهی اصحاب از آنها اعراض کرده اند حالا علتش را بعداً عرض خواهیم کرد.

بجتهای مختلفی در اینجا مطرح است من جمله اینکه اگر مثلاً گفته یک دینار به جیران من بدهید آیا باید به هر خانه ای یک دینار بدهیم تا بین خودشان تقسیم کنند یا اینکه به هر نفر صغیر و کبیر و زن و مرد یک دینار بدهیم که بعداً بحث خواهیم کرد.

صاحب جواهر نیز در جلد ۲۹ جواهر ۴۳ جلدی همین سه قول را در مورد همسایگان ذکر کرده:

اول رجوع به عرف. دوم از دیوار خانه تا چهل ذراع. سوم از خانه خود از هر طرف تا چهل خانه.

همان طور که خواندیم محقق در شرایع بعد از قول آخر (أربعین داراً من كل جانب) با اینکه روایات معتبری در این رابطه داریم فرمودند "مُطَرَّحٌ"، صاحب جواهر در اینجا فرموده شاید از جهت اینکه حمل بر تقیه کردند چهل خانه را قبول نکرده اند زیرا از طرق عامه از عایشه نقل شده که: "إنّ النبی صلوات الله علیه و آله سئل عن حد الجوار قال الی أربعین داراً" این خبر در کنز العمال و سنن بیهقی و جامع الصغیر نقل شده است.

صاحب وسائل روایات مذکور را در جلد ۸ وسائل ۲۰ جلدی در کتاب الحج و در ابواب آداب العشرة تحت عنوان "ابواب الجار" ذکر کرده.

بالاخره ما در اینجا باید به اخبار مراجعه کنیم و طبق اخبار نظر بدهیم ولی صاحب جواهر می گوید همانطور که شارع مقدس گفته در وضو صورت را بشوید اما اندازه اش را می دانیم که مابین انگشت سبابه و انگشت ابهام می باشد و یا گفته در مسافرت نماز شکسته است و اما اینکه مسافرت

<sup>۱</sup> مفتاح الکرامه، السید جواد الحسینی العاملی، ج ۲۱، ص ۵۹۲، ط جماعة المدرّسين.

<sup>۲</sup> شرایع، علامه حلی، ج ۲، ص ۱۶۹، ط اسماعیلیان.

چقدر است خودش گفته هشت فرسخ رفت و برگشت می باشد در ما نحن فيه نیز همان قول اول یعنی رجوع به عرف اقوی می باشد.

صاحب درباره روایاتی که دلالت دارند بر اینکه تا چهل خانه از هر از طرف همسایه محسوب می شود اینطور می فرماید: «وإن رواه جميل بن دراج في الحسن أو الصحيح (در ابراهیم بن هاشم بحث است بعضی آن را عادل می دانند که خبر می شود صحیح و بعضی آن را موثق می دانند که خبر می شود حسن) عن أبي عبد الله عليه السلام حد الجوار أربعون داراً من كل جانب ، من بين يديه ومن خلفه ، وعن يمينه وعن شماله. وعمرو بن عكرمة عنه عليه السلام أيضا قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : كل أربعين داراً جيران من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله .

وعمرو بن عكرمة عنه عليه السلام أيضا في حديث طويل في آخره : أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أمر علياً وسلمان وأبا ذر أن ينادوا في المسجد بأعلى أصواتهم بأنه لا إيمان لمن لم يأمن جاره بوائقه فنادوا بها ثلاثة ، ثم أوماً بيده إلى أربعين داراً من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله.

لكنها محمولة على التقية من العامة الذين حكموا بذلك للمرسل عن عائشة " أن النبي سئل عن حد الجوار ، فقال : إلى أربعين داراً " أو على إرادة جوار الشرف كساكني النجف وكربلاء وغيرهما بعنوان المجاورة لقبورهم ، أو غير ذلك ، فمن الغريب ميل ثاني الشهيدین إلى هذا القول مع شدة مخالفته للقواعد الشرعية ، ضرورة اقتضائه الوقف أو الوصية لمن يعلم بعدم إرادة الواقف والموصى إياه كما هو واضح<sup>۳</sup>.

صاحب وسائل در باب ۸۹ و ۹۰ از ابواب العشرة روایات مربوط به جیران را ذکر کرده، که برخی از آنها را می خوانیم:

خبر اول: ﴿عنه محمد بن يعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن أبي جميلة، عن سعد بن طريف، عن أبي جعفر عليه السلام قال: من القواصم التي تقصم

الظهر جار السوء إن رأى حسنة أخفاها، وإن رأى سيئة أفشاها<sup>۴</sup>.

خبر دوم: ﴿عنه محمد بن علي بن الحسين بإسناده عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد، عن أبيه، عن جعفر بن محمد، عن آبائه عليه السلام (في وصية النبي صلى الله عليه وآله علي عليه السلام) قال: يا علي أربعة من قواصم الظهر: إمام يعصي الله ويطاع أمره، وزوجة تحفظها زوجها وهي تخونه، وفقر لا يجد صاحبه مدارياً، وجار سوء في دار مقام<sup>۵</sup>.

مسئله فقر خیلی مشکل است در سفینه البحار در ماده "فقر" نقل شده که لقمان گفت من همه موارثهای زندگی را چشیدم ولی از فقر تلخ تر و ناگوار تر چیزی وجود ندارد، اسلام سعی می کند فقر را از بین ببرد و اصلاً در برنامه اسلامی فقر وجود ندارد بلکه راههای درمان بعد از عروض فقر ذکر شده است، معارف اسلامی طوری تنظیم شده که اولاً خدا انفال را در اختیار پیغمبر و امام و رهبر جامعه اسلامی قرار داده، انفال کل منابع ثروتی مثل معادن و دریاها و جبال و بستر رودخانه ها و... می باشد خلاصه تمام منابع ثروت در اختیار ولی فقیه می باشد و باید طوری برنامه ریزی و مدیریت شود که اصلاً فقر در میان نباشد بعلاوه اغنیاء نیز وظیفه دارند فقر زدایی کنند. بنابراین بحث از این جهت مهم است که باید ببینیم فقهاء ما اخبار موجود در این دو باب در مورد همسایه را به چه دلیلی قبول نکرده اند. بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على  
محمد و آله الطاهرين

<sup>۳</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۸، ص ۴۹۱، ابواب العشرة، باب

۸۹، ح ۱، ط الإسلامية.

<sup>۴</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۸، ص ۴۹۱، ابواب العشرة، باب

۸۹، ح ۳، ط الإسلامية.

<sup>۵</sup> جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۲۸، ص ۴۳.